

روزنامه آزادی

ترکیه

صاحب مستیاز کار الملک میرد ریسر

تجربه شانزدهم شهر جادی الاولی سده ۱۲۲۲ هجری

قیمت یک نمره دهشاهی است نمره سیصد و هشتاد و نایب در بین پای تخت پانزده هزار

در سایر ولایات داخله سیصد هزار دینار در تمام روستا چهارم در تمام هندوستان هشت روستا در تمام فرنگ و مالک عثمانی و مصره فرنگ

در دارالخلافه طهران طبع شود جریده علمی ادبی و سیاسی قیمت طایف طهرانی اگر کمتر شود تخفیف قیمت دارد

سال هشتم

(بقیه تحقیق در باب ثروت ایران)

انسان نازده در هر زمان و مکان اگر مستیلا با مراض و ماضی و اختلال عقل و شوریت لایه سعادت شخص خود و متعلقان را خواند است و معنی و حقیقت سعادت آسایش و سرزندگی باشد و بس و واسطه حصول این مقصود را بزرگان اهل دانش بعد از تجارب کثیره و تحقیقات بسیار ثروت دانسته اند تا برین چندی با بکارش مقالات ثروتی خاطر مطالعه کنندگان محترم را مشغول داشته ایم و آن بزرگواران اگر بظرف وقت و استقصا مطالب مطوره را ملاحظه کرده باشند متفقت شده و بر خورده اند که ثروت ملک و نقصان دارد زیرا که مایه اذکار ابدی و برهان ثابت کردیم بلکه علت آن را نیز معلوم نموده گفتیم چیت و از کجا آمده و ظاهر است که هر کس بخواهد بر زمان در پردازد باید چه کند بعبارة اخیری راه تولید ثروت را که علاج واقعی واقع باشد بدست دادیم و از تحقیقات محل و فصل که در مقالات ثروتی نمودیم هرگاه بخواهیم کلیاتی بقاعده استخراج کنیم و مطالب را خلاصه نماییم بعضی بحد کلمه مختصر مفید نموده برای معالجه تمام

(بقیه شرح حال میکلائثر)

اتفاقاً در همان سیکه میکلائثر مشغول ترین متسببه خانواده می بود شهر فرانسس وطن میکلائثر که قارخصه انقلاب گردیده و مشهوران صاحب صنعت با غیرت ابخته وطن و دفع ترسش دعوت نمودند بهر مند صلح طلب و از اجگو شد و معیای دفاع گردید و از میان اعمال نظامی و مشاغل جنگی شغل دکار مهندسی را برگزید و گرفت و طوری از عهده این کار برآمد که اسباب تقوی و یرت خاص و عام گشت

نقاشی کردن و جراحی غایت اندر و مکاری و شمشیر کشی نیز از باب صنایع چندان به نفعیت زیرا که بر حسب نسبت و مناسبت گاهی این چند صنعت و هنر در یک نفر جمع میشود اما عند پس شدن جراح و صنعت به نفعی گردان و ترتیب امور و چنانچه فرمان شش یکصد و پنجاه و دو سال و جدال و خیزری اگر چه بشخصه در کتب نگردد باز با آن فوق شری

مطالع کنندگان تربیت کمر ملاحظه فرموده دیده اند که ما هر وقت بخواهیم
مناسبت برادران عزیز بر تحصیل علم و تهذیب خلاق و دعوت و دلالت
میکنیم و شاید پیش ازین جهت و سبب این اصرار و ابرام را ندیده باشند
اما بعد از این فاطمه و ادله قطعی که در مقامات ثروتی اقامه نمودیم البته
غفت شده اند که این دعوتها و دلالتهای بی دریغی بطلب معارف و علوم و
کتاب و ادب و رسوم و فضل اخلاق کریمه و پیروی حقایق صحیح و تائیدی بصاحبان
عقول سلیمه و توسل ببالکان نفوس نیکو از روی هوی و هوا پس معنی داند
و خیال واهی نیست بلکه برای آن است که بفرمود علم و دانش و درج و جوب
معرفت و پیش در دست بر خورده دانسته ایم که بدون چشم بلی روشنی بین
و با فقدان در آنکه نقصان علم فیه کن امری محال است و سالک راه در
هر یک گام گرفتار صد زحمت و هزار اشکال و دشواری خود هزار مرتبه فرموده
مهرم از یک نقطه مجرم شود و دیده اید که خبر مبنی حرکت خبر میگرد و دغدغه و
عکس منظور و مطلب را میرساند خطای قسیمی یا حیل های باریک را در
راههای دور و شبهای تاریک از یکجا میزید و میدان زد و خجلا
چگونه فسق بگذارد

فرمان کنید یکی در خیال ضلال خلق عیسی که راه کردن ایشان بشه آیا
برگز خواهد گفت ای مردم از من حذر کنید و بپرهیزید که میخواهم شمارا
بنفیرم کلاهی که بسر دارید بردارم و مری که بر میان بسته اید باز کنم
خانه شمارا پاکست از مسجد شاه حالیه بنایم و از اثاث البیت نیز آنچه توانم
برایم اگر بید جان بندگان عالی را هم بگیرم و عذر تویی دستی
نبردیم

آلت از شبیه طر آرمثال و نظایر این اخبار بوق نیستیم و معهود که
آدمی قس خود را بر زرد و پنهان را اختیار پیکر نماید البته تاوان
برده پوشی کند و گوید آبی بندگان خوب خدا آبی دوستان عزیز
بنده آه من چقدر دلم بحال شامی سوزد و تا کجا بر سینوا می برادران وقت
میکنم آن در دیوان این سپه و سامان بعینه داستان ماه کفان
و چاه و زندان هر وقت این حال ملالت اشغال را بنظر آرم چون
ابر در باران بنالم و بزارم زیرا که بنده یک نفس با عشق و وطن و آب و
آن از عدم بوجود آمده ام مگر مانند یک بر سر آتش بچشم و در نجات و
خلاص امت بگویم بیاید و دست ارادت و اخلاص بینید
و هر چه دارید و دستی مخلص تسلیم کنید و باطمینان قلب و آسایش
خاطر بروید و مرغزار بشت فارغ و آزاد بگردید

واقعی اگر علم نباشد صحت و عدم این حرفها را از یکجا باید فهمید سخنانکه
اغلب بگروستان است و کاهی نیز نفییده که برگزیده امر شسته
تصور میکند که میفهمد و میدانند با هزار دستان است بهتر از تمام مرفهان
باغ میخواند و مخصوصا با چارگان که در محیط خلط و در بای مغلطه خود دیدم
و در حرکت هر موج مرده صد من آب شور میخوریم اگر میرانی بدست نداشت
باشیم که مطالب را در آن ترازو بسنجیم و بسک و سنگین را مشخص نمایم
چکنیم که زیر این بارهای گران در غنایم و با چار طبع مخالف سرکش خرنک
خویش را نمی توانیم ؟

ملکت از ثروت ننگدست و انالی گنج و گول چون از علم و صنعت نام
و نشانی نیابند تیغ و پیکلی بدست گیرند و آلت قضا را تکه کنند و بیجا

و بیل و لطافت طبع نایب غریب و دور باشد میکانیزان کار را هم در کمال خوبی پرداخت و شهر فلورانس را بحال مدافعه در آورده و اسباب طول مقاومت آن کرد
و هر چند این احوال را بدون کراهت و اشم از انجام میداد ولی سقا در آن اوان در عصر خود نبود و کالی غیر طبیعی میسر نبود بکاری عاریتی اشتغال داشت و بنا
بر ضرورت و لزوم قدم در راهی سنگلاخ و سخت میگذاشت پس از فراغت و رجوع با شغال صنعتی البته میکانیزم شرف و خوشوقت گردید از رنج رهایی و راحت پیدا
یافته و آنکه در سپهر نزار و پانصد و سی (۱۵۳۰) میلادی با آنکه چهل و پنج سال از عمر میکانیزم گذشته مزاج و بنیه قوی و با عاده داشت زیرا که در امور زندگی
داخل و شرب و سایر پشته ضروری راه افراط و تفریط نگذاشته و کار را به عیسی نکرده و هرگز دامن میانه روی و ملاحظه حفظ صحت را از دست نداده بود و بی هوا حرکت
نمیشد و چهار سال بعد از سپهر مذکور باب موسوم به نقل سیم بر سر کار آمد و او را میکانیزم را طلبید و خواست مجاری کوک را برانز و خود فلک را در کوک شارا بد

از موضوع دور نیستیم فن اکنونی ملیتیک یادانش ثروت گوید علم لازم است تا مردم حوائج خود را درک نمایند از آن پس راه رفع آن حوائج را پیدا کنند نیز زمانت و دیانت لازم است تا بعد از درک حوائج و پیدا کردن راه رفع آن بتوانند علم خود را بکار اندازند و با عمل مقرون سازند زیرا که از مقالات مطوره معلوم شد و دانستیم که مردم این و متدین بنابر قدر علم حوائج خویش داشته باشند نمیتوانند در صد رفع آن بآیند و گمان مایین است که چون امالی مملکتی عالم و امین شدند شرطیم که هسنت باشد خود با شمع حاصل میشود معنی با وجود عالم دین بودن رعیت دولت هم ناچار مقیده با سنت مملکت و عدالت خواهد شد و بدو مانع و محذور خانه و خزینه خود را آباد و معمور خواهد کرد تا از سایر دول کمتر نباشد و از بمبران عقب نیفتد بعبارة اخری محض صلاح و صفا رعایا بکارهای سودمند و امیدارد و آمر و نامور هر دو بهره میبرند نعمت خاص و عام را شامل میشود مالک فرسپند و ملوک خوشدل میگرد و بر عکس اگر رعایا جاهل و خاین باشند دولت برای اقدام با صلاح در بر مر دوچار مشکلات است و گرفتار خرافات و شاید در گامهای نخستین دل سرد و بی دماغ شده از ذوق و شوق او بکاهد و بقول معروف واده و بزرگان جهان تجربه معلوم کرده اند که با رعیت عالم این بی اعتدالی و بی قیدی حکومت با سنت ممکن نیست و برخلاف با سنت فاسد جاهل نادر اتفاق افتاده که دولت

دانه مطلب دراز است و جانت که حوصله کم پس سخن کوتاه کردم و باقی
برای هفته دیگر گذاشتم و حال آنکه باشد بشاگردان مدارس روزنامه بخوانند
از روزچشمان معینی برادرزادگان خویش درخواست میکنم که مقابل نامی
اول تربیت را مخصوصاً دو سه مرتبه بخوانند پس از ششماه فایده بکار
خود دریافت میکنند و دیگر سفارششند ضرورتی نخواهد داشت

(امتحان مدرسہ باقریہ صفہان)

مدرسہ باقریہ اصفہان را جناب مستطاب اجل اکرم میرزا باقرخان
 نامی منشی باشی و پیشکار حضرت مستطاب سعد ارفع والا ظل السلطان حکم
 اصفہان مضافات دامت ثبوته تائیس نموده و مکرر ازین آموزگار خانہ
 نوشتہ ایم و خواندہ اند و مزایای موپس و اساس را دانستہ اند چون
 سال سیم این آموزگار خانہ تمام شد و دخل در سال چارم میگردد
 حسب التعم و لمقتدر شاگردان این مدرسہ باید تحصیلات سال سیم را
 بدہند و مجدداً شروع بکار کنند لہذا در طرف پنج روز باز منون گردند
 و ہمہ روزہ نواب مستطاب اشرف امجد والا شاہزادہ بہرام میرزا ادا

سران بود که اباکند و استماع و روز زیر که قول بکند استخدا داده بود که مقبره ژول و تیم را باز و آن بقعه بسوز تمام شده و میلکا تر میخاست بود که خود
دفا کند و خلف و خلف نماید پل نیم گفت این چه حرفی است که میزنی من سی سال است آرزو و انتظار میکشم که تو را نزد خود داشته باشم اگر حالا هم تو انعم باین آرزوی
خویش نایل گردم خیال خود را صورت بهم پس این پاپ بودن من چه معنی خواهد داشت و صاحب این رتبه مقام شدن بچه کار بر بخیزد و چه فایده دارد این چه ریاستی است
و برای چه خوب است من و امیدارم معاذه استخدا که تو را باره کنند تا عذر تو مسموع باشد و بتوانی بدون دغدغه خاطر با من باشی چون پاپ این طور ظلم
اشتیاق بوجود میزند نمود میلکا تر تخاصی و تجانی را جایز ندانسته تکلیف نمود و اکتفا باین طلب کرد که برای آرایش و استیاز مقبره بقعه ژول و تیم مجسمه حضرت یحیی
علی نسبتا و علیه التلام را که مدت ها بر سر آن کار میکرد تمام کند تا یکبار به بد عهدی و خلف وعده نکرده باشد

الله اقباله العالی و سایر شایران دکان عظام و بزرگان با احتشام و فضلا
و اعیان معظم شرافت و اکوایای اطفال و شاگردان در مدرسه
حاضر شده و تعلیم و تبحر را امتحان کردند و عیار نقد و دانش و کار هر یک را
گرفتند و روز اول امتحان طبعیه علمی بود و دانشمندان از حساب و
هندسه و جغرافیا و نقشه کشی ازین طبقه سوالات نمودند و جوابهای صحیح
شنیدند و شرح مجلس از منون را توأب مستطاب الا شایران و بگرام نیز
بعضی حضور مبارک حضرت معظم والا ظل السلطان را سنده حکم را
با فروشان یک و پستگاه ساعت قاف در بحر طلاء با دستخطی منی بر توفیق
و ترغیب با قهار میرزا احمد بیجان منور زنده ارشد و جند جناب مستطاب
منشی باشتی که خوب از عهد امتحان برآمده بود و صا در و مروت فرمودند
مکرمت را شایران و بگرام میرزا دام جلاله و اسطه این موهبت گردید
و ساعت را در مدرسه نیکو پیکر استبار میرزا احمد بیجان فرمود و دستخط
مطالع را ایهال نمود.

سایر طبقات هم در روزهای بعد حاصل تحصیل خود را معلوم و مشهود نموده
بخش و تجید شایان سر بلند گشتند و مخصوصا روز چهارم جناب شریعت
نصاب ملاذالانام آخوند قاعبد الکریم جزئی سلمه الله تعالی از علما
معظم اصناف و فضلا نامی سامی طبعیه علمی عربی را اختیار فرمودند
خطابه های مؤثر در مجالس از منون خوانده شد و از شاگردان آنجا که در
مضامین تحصیل کوی سبقت میر بودند دارای مزایا گشتند و بقصد یقینایی
درجه اختصاص یافتند از شایران دکان محترم صفهان و آبان ارشد
میرزا و خلا محسین میرزا درین مدرسه شمول تحصیل میباشند و راه

تکمیل میپایند

روز پنجم که آخرین روز امتحان بود و گاه دریافت انعام و احسان
از آنکه مراتب تمام تحصیلات متعلین و درجات و ساعلمین و اجزای و اعضا
بخصوص حضرت اسعد والا ظل السلطان عرض شد و وطایق شال کشمیری
ممتاز یکی با قهار توأب اشرف الا محمد کاظم میرزا و میرزا محمد مسلم
ریاضی مدرسه و زبان انگلیسی دیگر بر بلندای جناب ضایل نصاب
آقا میرزا محمد حسین خان با منی ناطم و مشاق مدرسه و فول فرمود
و دو طغرا دستخط مبارک نیز تکمیل این عنایت و سرفرازی میسر نمود
بعد از آن جناب مستطاب منشی باشتی از جناب حضرت اقدس پس والا
با حضور شایران دکان محترم متعلین و متعلین از اعلی گرفته تا ادنی بذل
عوارف و مواهب سنیه ازیل عیای با همت و ساعت فقره منشی و
قلدان و کتاب تاریخ و نقشه های قبی و غیره نمودند بعضی را هم حسب
المناسبت با انعام نقدی مستطاب ساختند و با مجموعه فاضل از پند
تولان میگذاشتند چون از عطا بخش فراغت یافتند بصرف شیرینی
شراب پرداختند و چندین مجلس عکس گرد پیچینی اجاعی انداختند
و انجمن بی عیای وجود عاطفت نمودند بندگان علیحضرت قیو کوک شایان
معارف پناه مظفر الدین شاه خلد الله ملک و سلطانه شرف خستام یافت
(تریبیکت)

فضل مسطور در فوق را وقایع نگار رتبه از صفهان نوشته نهایت ما
عبارات را بسکات خود تحریر و تهنیت نموده ایم اما اطلاعات شخصی
خود ما هم مصدق این کلمات است و متوید این بیانات و شرح محامد جناب

پل سیم قدر میکلان را چنانکه باید و شاید میدانست و هر وقت موقع میشد این قدر روانی را ظاهر و آشکارا می نمود چنانکه کیر و زور و جبره میکلان نشد و شش نفر کار پان
باباس سیمی همراه پل سیم بودند (کار پانال از علمای دین مسیح) آنها هستند که در تریب بعد از پاپ شین و چون پاپ در گذشت لابد یک نفر از میان کار پانالها
بر تریب پاپی انتخاب میشود (در همان وقت میکلان بر محبت حضرت موسی) را تمام کرده میخواست از آنکار دست کشد بعد از تماشای محبت فرموده یکی از کار پانالها
گفت (دیگر لازم نیست که ما بفکر مخد نمودن ذکر خیر و بقای نام نیک ثول و دیم بهیم چه منظور باطل آمده و مقصود حاصل شده یعنی کسی که این محبت آریش
متبره اوست ابد الله بر زنده است و حوادث انقلابات عالم را در بر زمین اسم در رسم اودستی نباشد) این عبارت فرضا که اغراقی هم داشته باشد باز
معلوم میکند که میکلان در کمال صفت و ادراک ساختن آن محبت کجایر سانه و چه کرده و یاران هم تا چه حد قدر او را دانسته و بطور با اوفکار نموده اند و میتوانیم گوئیم

نزال با برکت علم آن محل بعد از بزرگواران تمام فروع خودیوش و بهیچکونی سوزانده و بهیچکونی
خراب کرد بطرف شمال هزاره (شرح جزیره ساغین با بکند بنویسم)

از دروازه های ثانی طرفین راه این بخوری چهار دوشه در راه باز قدی طرف شمال عقب نشینی
(اعلان شرکت دانش مظفری)

شرکت دانش مظفری که از تاریخ هزار و سیصد و سیزده تاکنون تشکیل
یافته و همه قسم کتب مفیده طبع و منتشر کرده اکنون مرکز این اداره در نزل
نواب مستطاب اشرف ارفع والا شاه سنه اده کفیل الدوله دامت
شوکت در محله پنجه است من جمله کتبی که طبع رسیده است
از شهر ابر ذیل است

لارن مارکو جلد اول پنج قسمن

لارن مارکو جلد دوم پنج قسمن

منهاج الطالبین با جلد کاغذی یک قسمن و پنج قسمن

با جلد مقوای سی شاهی

تیا ترعوسی جناب میرزا با جلد کاغذی یک قسمن و پنج قسمن

با جلد مقوای سی شاهی

جبر و معاصی آقا خان (جناب محاسب الدوله) چهار قسمن

جمع الملک چهار قسمن

محل فروش در خیابان ناصریه حجره آقا میرزا محمد مهدی کتابفروش

و در کتابخانه خورشید

نگارنده گوید مصنفات و مؤلفات مرحوم مبرور شاهزاده حاجی محمد

طاهر میرزا طاب ثراه که ذکر خیرش بهاره زیب مجمع انسانیت باو

تماما با علی درجه استیاز است و هر کس بطلعه آن آوراق فایده فایز شود
مستون باشد و از لذت و حلی بزرگ محروم

(ایضا اعلانات دواخانه مسیومولون)

یکی از دواهای بسیار خوب کرم سیمون است و آن مفتاح قشنگی
و زیبائی میباشد برای نگاهداری و محافظت جلد یعنی پوست بدن
بی نظیر و در نرم کردن و سفید و براق و مخفی نمودن پوست صورت
و دست مثل ندارد

تمام زمان تیسره که متعید بطرافت و پاکیزگی میباشد آن را استعمال
میکنند کرم سیمون طراوت و جلای رنگ را نیز حفظ میکند و
رفع حمزه و شقاق و ترکیدگی دست را مینماید همچنین کرم سیمون
بجست تف و تاب آفتاب خوردگی بسیار مفید است

پودر دوری کرم سیمون گردی است بدون میوت بیا
نرم و چسبان و غیر مرئی

گرد سیمون گلی است بدون میوت بیا و معطر و خوشبو و نتایج
مفیده کرم سیمون را کامل میکند

صابون کرم سیمون بسیار تمیز و بی نظیر است و پوست را
سفید و نرم و براق میکند

ایضا این صابون برای زینت و آرایش اطفال بسیار تجویز
شده است

تشنه ک مقوی و کتر دشام با کلا و پوست که کند و کلا و کسیر و فسات
دو فر برای آنکه طول مدت زندگانی تقریباً یکصد سال رسد قبل از

باری پاپ قدردان عیسی پلیم در عرض مهربانی و قدر دانی که نسبت به کارهای ساختن و تعمیرات بزرگی بواسطه جرایم یابی حاصل نموده عیسی نهرمند در زمان این
پاپ کاری پرداخت که شرف و نیجائی آن برای هر دولت و سلطنت که باشد کمازیک فتح حسابی و تحریک ولایت ایالت سمرقند بکند بیشتر و شرح آنکار عبارت
از صورت نمودن یک صفه از دیوار نمازخانه یکپشتن میباشد دیوار مذکور هشت متر ارتفاع و چهار متر عرض داشت و یکپشتن شدت شش سال آن به بخش و نگاری
آراست که هیچ دید نظیر آن را ندیده و شاید گوشه ای رودایتی باین حکایت نشنیده و نمازخانه که بیت پنج سال قبل متف آن را بخش نموده بود اکنون بواسطه
نقاشی دیوار دارای آراشی شده که از کمال صفت خبر میداد همانا در این عالم دیگر بودی تا ثانیان میگشاد پرده که روی آن دیوار یکپشتن ساخته صورت و شال و غوغا
روزی قیامت بود و تصویر سپهر افلاک که صورت میداد مردگان را زنده مینمود در بالای مجلس عیسی علیه السلام سجدایانیکو کاران را بخود میخواند و بایانیکو کاران

آنجا که هر کسوری اقتصادی مخصوص دارد و ترتیبات تکالیف و حقوق
برای ناحیه و قومی مخصوص صحیح و درست است و چون محل دیگر نقل شد
باید بر طبق مقتضیات آن محل خرج و تعدیل شود درین مورد تجربه را
بکار میبندند و از آن مستفیض میگردند

ازین جمله مستفاد میگردد که مقدم اعمال وضع قانون تحصیل علم و انشا
مکاتب و مدارس و ترتیبات صحیح آن و انشاء فضل و دانش و رونق
بازار معارف است و نکته نیست که بی معرفت یا لاکرمی هم ممکن نشود
تا چه رسد بکلاه دوزی

یک نکته را هم مخصوصاً باید در نظر داشت و آن را اتم امیر دانست
آن نکته این است که تاملت حاجی باشد کارهای عاریه یعنی و شل
لا طایل بطنه و جلوه دارد و اگر عده و لیا جله را همه کس شنیده
انسان چون بطلبی رسیده آن را انضیم بنظرش نداشت می آید معلوم
پسندیده مکرر و او میشود دفع این فساد را با شناسا کردن و دم مفر
و آگاهی توان کرد و الا هر قاعده و ترتیب شایسته که عقلا و صاحبان امر
نخواهند وضع کنند در نظر جمال ناپسند و اقلانومی آید از آن تفر
میسنایند و دیگر نیز مشکلات میراث شده و مانع اجرا و انجام آن میگردد
درین صورت نخست باید دست بکار علم و دانش زد و بعد به شغل دیگر
پرداخت و یقین شنیده آید در حکمت را این هر قرینه که پیش از شناسا
نکند دارد از داشتن کتب چاره ندارد و دود که که خانوار آن شناس
و کمتر باشد اگر باشد چاره آن معذور باید فسر زدن خود را
بکتاب قرینه نزدیک فرستند تا خواندن و نوشتن آموزند و حاجت

بسیار باشند و یکی از خواص و منافع بزرگ علم این است که در
و شان آن مانع ارتکاب اعمال شنیعه شود و نادر عالمی است که کار
را ازل کند و بزرگ و کل اجاره و او باشد در آید و ناسنجاری نماید
خلاصه برای آنکه برگرفته بشم مختصر بنمایم و عرض میکنم ثروت حاصل
عدل است و عدل نتیجه ترتیبات درست و اصول صحیح و ترتیبات
درست و اصول صحیح و طیفه و کار علم حال هر کس طالب ثروت است
و مطلوب کل طالب ابرای ملک می خواهد تا بتواند از فواید و عایدات
کشور خشنانه را همواره کند و ممالک را آباد بربا را امنون و رعایا را شاد
لبسته درین کلیات غور میکند و فرضاً در شطری و سطرهای از آن اعوجاج
دید صلاح و استقامت آن جهت میگرد و راه مردی و مردی است پاد
بکار و محصول آنرا بر میدارد و اهل حل و عقد دانند که گاه
مسامحه و مسامحه نیست و اگر عقل و تکامل گذشته وقت میگذرد و هر روز
که جان را از نوجوش و جنبش حاصل شده و جنگ و روپس و زن
جانیان را با بخیالات تازه انداخته خود و خود را بر هیچ طایفه خوش
آیند باشد و هر بلند نظر زیر بار و قوف و در کرد و کرد
زشت باشد که رود در جمل و در اکب ماند

حیف باشد که رهی خسد و نرکس پیدا
(راجل پیاده است و رهی نوکر)

(مجموعه خلاق)
مجموعه اخلاق رسالات جامع و ادبای بدیع تألیفی رائق و انشا
منیع بدیع و فنی آن انجمن مطبوعه اخوت و حوزه رفعت یعنی

(۲۸) اگر صاحب منصب یا سر بازاری که بطلاع سلطنتی احضار شود پسری داشته باشد که از عهده اداره کردن مزارع و باغهای پدر بر آید آن مزارع
و باغات را با و میدهند که برای پدرش اداره کند

(۲۹) هرگاه پسر آن صاحب منصب یا سر بازرگان باشد و از عهده اداره کردن مزارع و باغات پدر بر نیاید ثلث آن مزارع و باغات را با مادرش
میدهند که او را تربیت و بزرگ کند

(۳۰) اگر صاحب منصب یا سر بازاری مزارع و باغات و خانه خود را را نموده و اداره کردن آنها پذیرداخت و دیگری بجای او مشغول اداره کردن
شده و سال بر این منوال گذشت بعد از آن صاحب منصب یا سر بازرگان و خواست باز آن مزارع و باغات و خانه را تصرف شود و اموال مذکور را به تصرف او

مجمعی از اخوان الصفا و جماعتی از برادران با مروت و فدا که جلد بزرگان
اهل طریقت اند و سالکان راه حقیقت هر چند این الفاظ خود بسین
معانی است کاشف سرنانی اما توضیح و تصریح در هر محل و مقام
بکار آید مثل را آسان و آسان را آسانتر نماید بابرین گوئیم
از دیر زمانی سپهر اهل دل و عارفان کامل بزم محبتی باسم انجمن
اخوت در خیابان دولت مستنی بر مبنای شریعت مطهره و خلوص عقیده
آراسته و از زواید لاطایل و خوشامی بجای اصل پیرایه و مقصود
تدعای اجزای محترم این دایره تزکیه نفس و تهذیب اخلاق باشد
و بس نیز بخارف و عظام این جهان کاری دارند بمول و تحمل
جانیان ایهیتی بگذرانند همواره از خصال مرضیه سخن بگویند و
ذکر و فکر میسپویند گرم سیر و سلوک و طی طریق سالک صراط مستقیم
حقیق و چون بابر حقیقت گوئی است بهر این رهروان و قائم و مشر
این کاروان جناب مستطاب اعلی اکرم صاحب نفس زکیه طهر الدلو
وزیر تشریفات ادام الله اقباله و فضاله میباید

شاید بظرف غریب آید و خواننده عجب نماید کی از وزرای عظام و کبار را
سر حلقه اهل صفا باشد و جمعی از صاحبان ذوق و سالکان شوق را
راستما گرد و لکن این امری مستبعد نیست و بعد از آنکه گفتند شنیدیم
که در هر سری پستی از خدا هست دیگر جای استعجاب نباشد و شنیده
راه استغراب نرود و من بنده باداعیه نجر و ترک بسیاری از
حلاقی قسرا میکنم و آشکار میکنم که آن وزیر روشن ضمیر را از خود
دارسته تر دیده ام و از قسیده نامی دنیوی را تر یافته ام و زهی

سعادت آن محبتی که با شمش طاهر و ربه عظیم در خلوت درویشان الهی
خاکساری کند و میان حسره پوشان از پوست تحت سپند ارشاد
ترتیب دهد

سخن دراز نشود مجموعه اخلاق حسنه وی است که بر پا نرود و بزرگوار
بصورت روزنامه منتشر میگردد و مطالب آن حقایق و معارف صفا
و فضلا و نوادر و حکم عرفا و حکا و کلمات سودمند و عبارات لطیفه
تخلین و مدایح و مناقب حضرت رسول و ائمه طاهرين صلوات الله علیهم
اجمین است و موضوع حقیقی تحقیقات اخلاقی و امر و نهی و نقص و
اصل عیب کار مافاد اخلاق عمومی است این مجله شش هفته که از خلال
کریم سخن بگوید از تمام جبهه ها و ادراک مستر و بیشتر بکار اصلاح مفا
ملکت و رفع معایب ملت میخورد و امید که پاینده و برتر از هر زمانه چشم
روزگار گزند می بآن صحیفه سینه نرساند

در هر مجموعه اخلاق نوشته است (قیمت اشترک جزوی پنجای در
طهران و در سایر بلاد اجرت پست ضمیمه میشود مدیر و نگارنده میرزا
علی اکبر خان) عجاای نمیدانم با جناب نگارنده و مدیر محترم
بصورت طاقات کرده ام و آن بزرگوار را دیده اند اما بخوانند جزو
اول این رساله جامع چنان است که صد مجلس بآن برده اند و طاقا
کرده و از آن محضر عالی استفاضه نموده بشم و جناب معارف تبار
بر تقیم و تنظیم آن نشر اید و در نشر و انتشار آن لالی و غرض نیست و
مبارکباد میگویم و سلامت و سعادت سایر برادران انجمن اخوت را
که بخوم سمار معالی میباشند و مانند نموس و انمار معانی ستالی

خواهند داد و آنکه سال مراقبت داده اند بر سر کار و تصرف خود باقی خواهد ماند

(۳۱) در صورتی که مدت بکار کردن و ترک نمودن باغات و مزارع و خانه فقط بحال باشد و مالک با طلب و مطالبه آید آن املاک را با او پسند

و آنکه درین بحال نگا بداری کرده حق نگا بداشتن ندارد

(۳۲) هرگاه صاحب منصب یا سر بازی در لشکر کتی پادشاه اسیر شود و یکی از تجار فدی داده او را خلاص گرد و بوطنی وی بازگشت ادا آن صاحب

یا سر باز در صورتی که مالی داشته باشد که تواند آن فدی را بآجر و نماید میباید و اگر نداشت باید از مال معبد شمس و فدی را بآجر دهند و اگر معبد هم
قادر بر ادا آن مال نباشد پادشاه باید آن فدی را بآجر بپردازد و اما از مزرعه باغ و خانه صاحب منصب یا سر باز آن فدی داده و نمیشود

نمره سیصد و هفتاد و دوم

(۱۸۸۰)

نهار و شام یک گیلایس کوچک ازین دوا میخورند نسخ این دوا در همه جا معروف است و جمیع اطباء دنیا بخوبی کرده اند این دوا بحالت محلول کامل مواد عالمی است که گند و کلا و برکن کلا و گلبر و فحات دوا فرار در بردارد و دوی هم رفته برای محکم کردن استخوانها وقت دادن آن دوا دای خوبی است این مواد عالمی که هر یک را جمیع اطباء تصدیق کرده با کمال وقت ساخته میشود و متوی و مصلح و محرک استنشاست و با شفا می که مستلماً بضعف پیری میباشند یا از جثه ناخوشی ضعیف المزاج شده وقت میدهند و اسباب استحکام و بدینه آنها میگردد و چون قیمت دوا مناسب است همه کس میتوانند بخرد و صرف کند

قیمت یک بطری آن هشت قران و دوازده بطری آن تومان و محل فروش در طهران مختصات به دواخانه سیومولیون در خیابان لاله زار

(ایضاً اعلان)

کتاب دستور حکومت از رسائل بسیار مفید و کتب معتبره نافع بخفا نویسنده همین روزنامه در کمال استیاد طبع شده در حجره کتابفروشی جناب آقای شیخ محمد حسن طهرانی در خیابان ناصریه زیر عمارت مبارک که پیش العماره بفروشد میرسد قیمت با جلد و دیرال

پوشیده نباشد که کتاب دستور حکومت ترجمه نامه و عهد حضرت امیرالمومنین علیه السلام است بکلیت اشتر در وقتیکه نامور حکومت مصر شده بود این نامه مبارکه را بنده اقل ترجمه و انشاء نمود طوری که نه اخلاقی بفضاحت و بلاغت آن وارد آید نه تحقیر آن

مشکل باشد و بر هر کس که طالب دانائی است خواندن این رساله واجب خواهد بود و بعضی اطلاعات هم در اول رساله است که مورت مزید بصیرت یگیرد

(ایضاً اعلان)

(شفا می امراض نسوان بواسطه پیاثرین تایلر)

در میان امراض نسیبار که عارض انسان میشود بعضی اختصاص نسوان دارد و عده عسر نفس با حالاتی است که هر ماه عارض میشود و گاهی بطوری دردناک میباشد که حقیقه ترنس محسوب میگردد و دیگر امراضی که در حد و چهل سالگی و او جاع وضع عمل و تولید جنائی که بعد از وضع عمل عارض میشود

تا بحال اطباء برای این امراض دوا می موثری نداشته اند و مواد دوا که بکار میسوزند بی فایده یا مضر بود این امراض حالا بواسطه کشف پیاثرین تایلر علاج میشود

پیاثرین تایلر که در دواخانه سیومولیون در خیابان لاله زار طهران بفروشد میرسد دوائی است از درج اول برای نسوانی که بر این رنجور میشوند یا در وضع عمل دوچار مشکلات میگرددند

مقدار خوراک آن روزی چهارالی شش قسم است یا هر قدر که بخواهد تجویز کند

دواخانه سیومولیون رساله هم بزبان فارسی برای اطباء ترقیب داده و شرح تجاربی را که معالین بزرگ پاریس در باره پیاثرین تایلر کرده اند در آن رساله درج نموده قیمت بطری بزرگ آن دوازده قران

آلوده نگاه میکرد و مالک دوزخ آنها را به جهم میفرستاد و این هنگام را طوری نقاشی ماهر محتم و ظاهر کرده و روح و نهایش داده که هر کس میدید چنان بود که حشر و نشر و ثواب و عقاب را دیده و از شاه و عین و اثر مغرب متاثر گردیده و روزیست پنجم ماه و سامبر سال هزار و پانصد و چهل و یکم که موقع میلاد حضرت مسیح بود چون کرده از روی دیوار نمازخانه مجلس مصور برداشته و انقلاب نهاد تغییر حال ناشایان از مطالب تاریخی کشته کاربستهندگان بجایای نازک کشید و نمازخانه حشر و در عید یوم نور گردید

نیکوکاران و شریفان و بزرگان و دیگران از کارهای افتد و با ستراحت میگذرانند چه دیگران غالباً درین عسر که معروف بشده میباشند چشم از زندگی میپوشانند و در تنهایی میگذرانند و بعضی از بزرگان و شریفان که در این عسر و غم میباشند و کارهایشان را در این عسر و غم میگذرانند و بعضی از بزرگان و شریفان که در این عسر و غم میباشند و کارهایشان را در این عسر و غم میگذرانند